



بررسی آموزش معماری در دانشگاه‌های ایران در راستای حل بحران هویت

معماری معاصر ایران

محمدعلی زرافشانی^۱، ارسلان طهماسبی^۲، قادر بایزیدی^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، zarafshani197907@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) استادیار، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، arsalan-tahmasebi@iausdj.ac.ir
^۳ استادیار، گروه معماری، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، q_bayzidi@iausdj.ac.ir

چکیده

آموزش معماری یکی از موضوعات مهم و کلیدی در رشد، شکوفایی و ترسیم آینده معماری به شمار می‌آید. معماری گذشته ایران که همواره با تاکید بر ارزشهای پایدار از جایگاهی ویژه برخوردار بوده، در عصر حاضر با پیدایش واژگان دوگانه ی سنت و مدرنیته، از میان نگاه حسرت‌آمیز به گذشته تا فریفتگی الگوهای غربی، دچار نوعی سردرگمی شده است. از این رو پژوهش حاضر در پی آنست که با بررسی و تبیین رابطه میان آموزش معماری و بروز بحران هویت در معماری معاصر ایران، به ارائه الگویی از آموزش معماری در راستای حل بحران و تقویت هویت معماری ایرانی همت گمارد. روش تحقیق توصیفی- تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. گردآوری اطلاعات به روش پیمایشی و از طریق ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری این پژوهش ۱۰۰ نفر از مجموع اساتید خبره دانشکده‌های معماری کشور و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۷۹ نفر میباشد. نتایج مطالعات نشان میدهد که شکل‌گیری نظام آموزشی هویت‌گرا در معماری با مد نظر قرار دادن ارزشهای معماری بومی، بازنگری در سرفصل و واحدهای درسی، اصلاح سیستم جذب دانشجو و ... میتواند معماری معاصر ایران را به مسیر اصلی و بازیابی هویت بازگرداند.

اهداف پژوهش:

۱. تعیین رابطه میان آموزش معماری دانشگاه‌های ایران و بروز بحران هویت معماری معاصر کشور.
۲. ارائه نظام و رویکردی در آموزش معماری در جهت رفع بحران هویت معماری معاصر کشور.

سوالات پژوهش:

۱. میان آموزش معماری و بروز بحران هویت در معماری معاصر ایران چه رابطه ای وجود دارد؟
۲. آموزش معماری چگونه میتواند به حل بحران هویت در معماری معاصر ایران کمک نماید؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۲

دوره ۱۸

صفحه ۱۷۵ الی ۱۸۷

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

تاریخ داوری: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

کلمات کلیدی

آموزش معماری،
بحران هویت معماری،
معماری معاصر ایران.

ارجاع به این مقاله

زرافشانی، محمدعلی، طهماسبی، ارسلان، بایزیدی، قادر. (۱۴۰۰). بررسی آموزش معماری در دانشگاه‌های ایران در راستای حل بحران هویت معماری معاصر ایران. هنر اسلامی، ۱۸(۴۲)، ۱۷۵-۱۸۷.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1400.18.42.11.2



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.288751.1622

مقدمه

مقوله هویت از گذشته‌های دور به عنوان یکی از دغدغه‌های بشری مطرح بوده است. مفهوم کیستی و چیستی انسان یکی از قدیمی‌ترین مباحث فلسفی بوده و عمده فیلسوفان و نظریه‌پردازان در رابطه با آن، به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. هویت که در گذشته‌های دور پدیده‌ای ثابت و از پیش تعیین شده در نظر گرفته می‌شد، امروزه به مفهومی متغیر، پیچیده و متناقض بدل گشته و موجب بروز بحران هویت و ناآرامی انسان مدرن شده است. در نتیجه بحث‌هایی با چیستی هویت و مؤلفه‌های موثر بر آن، امروزه نیز مانند گذشته و یا حتی بیش از گذشته، به عنوان یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در حوزه‌های مختلف فلسفی، روان‌شناختی و جامعه‌شناسی مطرح است. موضوع هویت در معماری ایران از اوایل قرن حاضر بارها مطرح شده و در هر یک از ادوار تاریخی، پاسخ‌هایی در حوزه‌های نظری و در طراحی به آن داده شده است. در دوران معاصر شرایط به گونه‌ای است که سرعت تغییرات چنان افزایش یافته که به سازنده‌های محیط امکان تسلط بر اوضاع داده نمی‌شود، به این صورت که آنها فرصت کسب تجربه و تبدیل مواد خام به نیازهای انسانی را ندارند. در این دوران تشکیک نسبت به یافته‌های قبلی نیز ایجاد گشته و تعهد نسبت به آنها کمرنگ شده است. پیامد این وضعیت، شکل‌گیری هویت سردرگم می‌باشد که حتی در معماری نیز قابل مشاهده است. بنابراین در عصر حاضر، گرایش به هویت، جنبه‌ای تقلیدی یافته است. بدیهی است تقلید از معماری دوران سنتی نمی‌تواند شکل‌دهنده معماری با هویت باشد. مطالعه تاریخچه معماری معاصر ایران و مروری بر پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش نشان می‌دهد بحران در معماری ما از زمانی آغاز شد که درهای بسته معماری سنتی به سوی جهانی دگر باز شد و تعادل و توازن موجود در جامعه از میان رفت. فرهنگ و نگرش غرب به سرعت و شتاب زده و به صورتی ناقص وارد فضای زندگی و معماری مردم سرزمین ما گردید و فرصتی برای مطالعه و پالایش آن بر اساس فرهنگ و هویت خودی به وجود نیامد.

در خصوص سوابق مطالعاتی مربوط به این پژوهش و بر اساس مسأله هویت و آموزش معماری در منابع مختلفی سخن به میان آمده است. طی سال‌های اخیر، آثار متعددی با محوریت هویت در معماری معاصر ایران نگاشته شده است که البته فقط تعداد معدودی از آن‌ها به بررسی این مهم پرداخته‌اند. لعل بخش و همکاران (۱۳۹۸) طی پژوهش خود مدل آموزش طراحی معماری مبتنی بر تفکر هویتی و تعاملی در ایران را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش با هدف ارائه مدلی برای آموزش طراحی معماری هویتی در راستای کاستن از فاصله میان آموزش آکادمیک و حرفه صورت گرفته است. این پژوهش کیفی و مبتنی بر نظریه علی معلولی و پسا اثبات‌گرایانه است که بطور استقرایی و با گردآوری منظم و طبقه‌بندی شده داده‌های درجه اول صورت گرفته است و به دنبال اکتشاف مسائل پیرامونی آموزش طراحی معماری به شیوه مشارکتی است. نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که این مدل ضمن هم‌افزایی در آموزش موجب کارآمدی آموزش طراحی در میان دانشجویان شده و می‌تواند فاصله میان آموزش آکادمیک و بازار کار را تا حدود زیادی کاهش دهد. حسن^۱ (۲۰۱۸) در مقاله خود تحت عنوان «بررسی استفاده از ابزار تصویری در آموزش معماری»، هدف از پژوهش او بررسی تأثیر ابزار عکس و هویت گذشته در آموزش معماری بود. روش تحقیق انجام یک آزمایش آموزشی که در آن یک نمایشگاه عکاسی را به عنوان ابزار یادگیری و ارزیابی در برنامه درسی "عوامل انسانی در معماری منظر" برگزار شد، بود. آن مطالعه به این نتیجه رسید که تجربیات حاصل از دیدن عکس‌های

^۱ Hassan

نمایشگاهی، ترویج ایجاد خلاقیت بود؛ علاوه بر این و تحول دانش، از طریق دیدن عکس‌ها و تم‌ها و روابط متقابل و متضاد بین آن‌ها اتفاق می‌افتد.

لذا با توجه به مطالب گفته شده، در پژوهش حاضر علاوه بر مطالب فوق و ضمن بهره بردن از منابع موجود، سعی شده است برای آموزش معماری در ایران ابتدا باید از تکیه بر تک برنامه درسی صرف نظر نموده، و سپس به طراحی یک نظام منعطف در سطح کلان براساس ضرورت‌های لازم و با تعریف اهداف دقیق و مفید برگرفته از چالش‌های جهانی و بومی (ایران) و براساس مؤلفه‌های آموزش هویت‌ساز اقدام نمود و نیز سعی شده ابتدا رابطه هویت و آموزش معماری ایرانی به‌وسیله تحقیق از پژوهش‌گران دانشگاهی بررسی شود و این بوسیله پرسشنامه و مصاحبه صورت گرفته و براساس فرضیات صورت گرفته پیشنهاد شد که آموزش طراحی معماری مبتنی بر توجه به هویت اصیل ایرانی مورد توجه بیشتر قرار گیرد و در پایان پیشنهادهای در جهت توجه بیشتر به مؤلفه‌های آموزش هویت‌ساز در سیستم دانشگاهی صورت گرفت.

در این پژوهش، روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی و از نظرهدف کاربردی است. شیوه گردآوری اطلاعات پیمایشی (میدانی) است که از طریق ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش ۱۰۰ نفر از مجموع اساتید خبره دانشکده‌های معماری کشور می‌باشد که حجم نمونه‌گیری در این پژوهش با استفاده از فرمول کوکران ۷۹ نفر می‌باشد. به دلیل تسهیل در این نمونه‌گیری پنج دانشگاه معتبر کشور دانشگاه تهران، بهشتی، علم و صنعت، رازی کرمانشاه و کردستان مورد بررسی قرار می‌گیرند تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از روش‌های همبستگی و تحلیل عاملی اکتشافی و با نرم‌افزار SPSS صورت می‌پذیرد.

۱. آموزش معماری در ایران

آموزش معماری در ایران سه مرحله مشخص را از سر گذرانده است. در دوره آغازین که دانشکده هنرهای زیبا تأسیس شد، شیوه آموزش بوزاری حاکمیت تام داشت. همه توجه به نقش و اهمیت معماری ایران به طراحی از روی چند نقش و سرستون تخت جمشید ختم می‌شد. در مرحله دوم نظام آموزش بوزاری به شیوه آمریکایی تغییر یافت. گروهی از معماران تحصیلکرده ایتالیا نیز به تدریس در دانشکده پرداختند که نظرات و شیوه خاص خود را به پیش می‌بردند. مرحله سوم پس از بروز انقلاب در ایران شکل گرفت. دگرگونی در همه شئون به وجود آمد و در سالهای اخیر کوشش‌هایی به عمل آمده است تا نظم و نسقی در آموزش معماری ایران پدید آید. توجه به معماری گذشته در حال پا گرفتن است. بنیان‌گذاران آموزش معماری در ایران، باستان‌شناسان فرانسوی و فارغ‌التحصیلان رشته معماری مدرسه عالی ملی هنرهای زیبای فرانسه بودند و آموزش دانشکده نیز براساس روش تدریس معماری در فرانسه پایه‌گذاری شد. در ابتدای تأسیس، دوره آموزش در سه بخش کار عملی مقدماتی، سیکل اول و سیکل دوم تدریس می‌شد. دروس نظری محدود به: هندسه فضایی، ترسیم فنی و پرسپکتیو، ایستایی، بتن و فولاد، نقشه‌برداری و برآورد، عناصر و جزئیات ساختمان، تاریخ و هنر و زبان فرانسه بود. انتخاب دانشجوی معماری در دانشکده هنرهای زیبا از سال ۱۳۳۴ با آزمون ورودی اختصاصی صورت می‌گرفت و دانشجویان پس از گذراندن دوره مقدماتی، وارد دوره‌های سیکل اول و سیکل دوم شده و کارهای عملی معماران مدرن را تجربه می‌کردند (سلیمانی‌پور، ۱۳۷۰). آموزش دانشکده در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ تغییر کرد و سیکل اول و دوم ادغام شدند و سیستم واحدی جایگزین شد. در ساختار جدید رشته معماری، که در سال‌های اخیر به‌صورت کارشناسی ارشد ناپیوسته اجرا شد، آموزش معماری به تربیت کارشناسانی با کارایی‌های

عمومی و حرفه‌ای اختصاص یافت. تقویت تخیل، تجسم فضایی، مهارت‌های بیانی، تقویت قدرت خلاقیت و اعتماد به نفس محورهای اصلی این دوره‌ها را تشکیل می‌دهند. این محورها در قالب سه درس کارگاهی درک و بیان محیط، هندسه کاربردی، و مصالح و ساخت، سازماندهی شده‌اند، تأثیر و تأثر بین دروس و طرح‌ها و روابط زنده بین آنها لازمه و شاخصه اجرای موفق برنامه آموزش معماری است. آموزش معماری آنگاه امکان می‌یابد که تعریفی کامل و شامل و معلوم و مقبول از معماری وجود داشته باشد که بتوان آن را آموزش داد. مدرسه معماری در ایران، سرزمینی که در آن مهارت و معرفت، فن معماری و حکمت جدایی‌ناپذیر بودند، امروز به آموزش کدام معماری بپردازد؟ و آیا امروز چیزی به نام معماری که ارزش آموزش دادن داشته باشد، وجود دارد؟ اگر وجود دارد کدام است؟ و اگر وجود ندارد، وظیفه چیست؟ (حجت، ۱۳۸۲: ۶۴). الگوهای سنتی که ریشه در فرهنگ این مرز و بوم داشته و به‌عنوان عناصر هویت‌ساز معماری مطرح می‌باشند؛ بایستی توسط اساتید این حرفه به دانشجویان شناسانده شوند. نظر به اینکه در معماری ایران، ارزش‌های پایدار و هویت‌ساز فراوان است، اکنون زمان آن فرا رسیده که به معماری ایران، نه صرفاً به‌عنوان آثار تاریخی و باستانی بلکه در حکم آثاری نگریست که روح زنده و پایدار درون آنها می‌تواند الهام‌بخش معماران و هنرمندان معاصر در زمینه احیاء هویت بومی و ملی ما باشد و آموزش معماری بیشترین سهم را در امر مذکور به عهده خواهد داشت. در فرآیند آموزش، معماران باید بکوشند تا مجموعه‌ای کامل از اصول صحیح معماری گذشته و حال را، طبق اصول صحیحی که در معماری هویت‌گرا بگنجد، با هم درآمیزند و مطمئن باشند که این مجموعه کامل، در کنار تکنولوژی جدید، می‌تواند از هویت فرهنگی و اصالت کافی برخوردار باشد (ارمغان و ثروت‌جو، ۱۳۹۶: ۱).

۲. آسیب‌شناسی آموزش معماری در دانشگاه‌های امروز ایران

امروز با گذشت بیش از دو دهه از آخرین تحول‌ها، دگرگونی و ناکامی در بسیاری از آرمان‌ها و شیوه‌ها، آموزش معماری در حالتی از تعلیق به سر می‌برد. "چگونگی آموزش معماری" بزرگترین مسئله در مدرسه‌ی معماری است و از سویی تعدد و تکثر اندیشه در جهان تفکر و فلسفه و هنر، راهی یکه پیش روی مدرسه معماری نمی‌نماید؛ و از سویی دیگر اقتباس از مدرسه‌های غربی که پیش از این باعث آبرو و اعتبار مدرسه بود، و جاهت سابق را ندارد (حجت ۱۳۸۲: ۶۲). امروز آموزش معماری در ایران با بزرگ‌ترین بحران تاریخی خود روبرو است، بحرانی فراتر از آنکه با تغییر در شرح درس‌ها و ارتباط‌های سالی و کارگاهی به سامان برسد. هرکسی معماری را با نگاه خود می‌بیند و با معیار خود می‌سنجد و با سلیقه خود می‌سازد. نه تنها بین استادان مدرسه تعریفی یکسان از معماری وجود ندارد، بلکه شاگردان امروز نیز به سادگی پذیرای نظر و سلیقه اساتید نیستند. امروز مدرسه معماری باید معمار بسازد؛ به بیان دیگر، مدرسه معماری باید به‌جای آموزش معماری در اندیشه تربیت و پرورش رشد معمار باشد (حجت، ۱۳۸۲: ۶۶). بزرگ‌ترین مانع آموزش درست معماری بی‌توجهی به این امر ظاهراً بدیهی است که آموزش معماری مسبوق بر خود معماری است و خود معماری چیزی جز اثر معماری نیست. یعنی تا آثاری نباشند چیزی نیست که تعلیم داده شود. حال اگر قبول داریم که تعلیم معماری مسبوق به اثر معماری است باید بگوئیم کدام آثارند که پایه‌ی تعلیمات ما هستند. ممکن است گفته شود که تعلیم معماری را نمی‌توان به دوره خاص و آثار خاص محدود کرد، بلکه کل تاریخ را باید مد نظر داشت. خواهی‌نخواهی محصول یک قرن تجربه اخیر ما در معماری و شصت سال آموزش معماری جدید مجموعه آثاری است که از بین همه ساخته شده‌های این یکصد سال می‌پسندیم و می‌گوییم ای کاش همه مثل آن‌ها یا بهتر از آن‌ها بودند. اگر کسی بگوید می‌توان این آثار را کنار گذاشت و تعلیم را از آثار برتر اساتید معماری جهان شروع کرد لابد به شرایط واقعی تعلیم توجه ندارد. نخستین معلمان دانشکده‌های معماری یا خارجی بودند یا ایرانیانی که معماری جدید را با

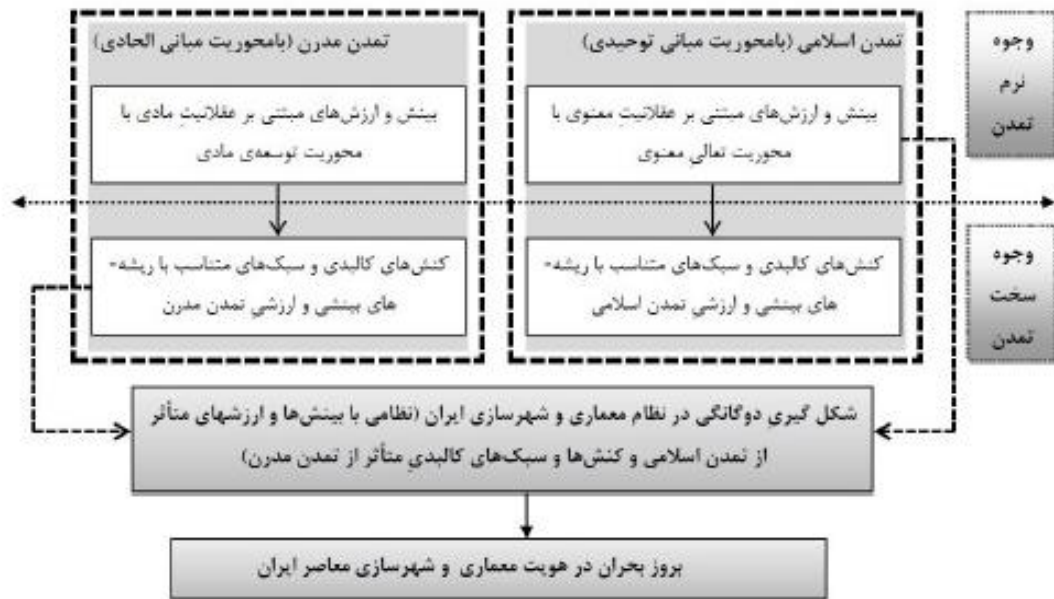
حضور در محیط و تعلیم از استادان خارجی فرا گرفته بودند. هر زمان که لازم باشد می‌توان برای تعلیمات معینی استاد خارجی استخدام کرد. آنچه اهمیت دارد این است که دانشجو و کارآموز جوان معماری باید اصل آثار را ببیند و با آن‌ها محشور شود و این کار را به وسیله‌ی ادراک اصلی خود از معماری تبدیل کند. ترسیم و نمایش بر روی کاغذ با تمام ارزشی که در حد یک وسیله دارد، نباید موضوعیت پیدا کند و جانشین خود معماری شود.

۳. هویت و معماری

در عرصه معماری بحث از هویت، داده‌های متفاوتی را به ذهن می‌راند. بازتاب «هویت معماری» برای دیگر انسان‌ها همان بنایی است که پیش رو حضور دارد. «بنا» همان معمار است. اگر معمار چهره آشنا نداشته باشد، سخن آشنا نگفته باشد، بنایی که پدید آورده نیز آشنا نخواهد بود و بازخواست خواهد شد. اگر معمار عاری از فهم حقیقت هستی بنایی برپا کند، پرسش‌های بی‌شمار از بنا به جا می‌گذارد. چیستی؟ کیستی؟ پرسش از هویت معماری همان پرسش از ماهیت اثر یا هویت معمار یا حقیقتی است که در بنا نهفته است. هویت بنا می‌تواند یک حقیقت تلقی شود. در این وضعیت پیوند حقیقت‌جویانه میان بنا و دیگران برق رار می‌شود. مخاطب در اثر به آرام و قرار می‌رسد به سخن دیگر معمار اثر یا بنایی که حاصل فهم او از هستی و زندگی‌ای هویت خود اوست برپا می‌کند. صاحب‌نظران تلقی‌های متفاوتی از هویت معماری دارند. نگاه اردلان به معماری با رویکردی عرفانی است؛ و تلاش او در رسیدن به وحدانیت وجودی تعریف او از هویت را در مقایسه با تعاریف دیگر متفاوت ساخته است. او تحت تأثیر اندیشه لویی کان که هویت معماری را ساختن پلی بین عناصر ملموس و عناصر ناملموس دانست؛ هدف از معماری را سیر از جسم به روح می‌داند و هویت معماری را اتصال به عالم ملکوت می‌داند. الکساندر اما؛ هویت معماری را تجسم کالبدی کیفیت‌های بی‌نام در بناها می‌داند. کیفیت‌هایی که مبنای اصلی حیات و روح هر انسان، شهر، بنا و یا طبیعت بکر هستند اما نمی‌توان نامی بر آن‌ها گذاشت (متولی حقیقی و خسرو صحاف، ۲۰۱۵: ۲۲۸۹).

۴. بحران هویت معماری معاصر ایران و رابطه آن با آموزش معماری

یکی از راهکارهای بازگرداندن مفهوم هویت به معماری امروز، تجدیدنظر در نحوه آموزش معماران این مرز و بوم و همچنین تغییراتی در سیستم آموزشی می‌باشد. توجه به معنای هویت و نمود آن در خلق آثار معماری از اهمیت به سزایی برخوردار بوده که در این راستا با مد نظر قرار دادن مواردی همچون: توجه به فرهنگ و وضع زندگی مردم، توجه به الگوهای سنتی معماری، توجه به ویژگی‌های محیطی اقلیمی بستر طرح و همچنین مد نظر قرار دادن نیازهای روانی کاربران در امر طراحی، می‌توان مفهوم هویت را به آثار خلق شده بازگرداند و برای این منظور بایستی معماری گذشته مورد بررسی قرار گیرد و با شناخت ویژگی‌های با ارزش معماری گذشته و به‌کارگیری آنچه که بتوان توسط آن به معماری امروز هویت بخشید، شرایط نابهنجار امروز را به مطلوبیت رساند و نیز باید پذیرفت که یادگیری و آموزش معماری سنتی به منزله تقلید نیست و بایست منطق آنها را آموخت و در معماری امروز به کار بست (قبادیان، ۱۳۷۷). لازمه درک چرایی بروز بحران هویت در معماری معاصر ایران، در این نکته نهفته است که اساساً تحقق هویت اصیل اسامی در معماری و شهرسازی معاصر ایران که با الگوبرداری از تمدن مدرن (به‌عنوان تمدنی توسعه محور) تعریف شده است نوعی پارادوکس است؛ زیرا هم‌گونه تمدن توحیدی و هم‌گونه تمدن (توسعه محور) در ذات خود تمامیت طلب هستند و هدف غایی هر دو نوع این تمدن‌ها، بسط تام و تصرف تمام شؤن و مناسبات حیات انسانی است (رییسی، ۱۳۹۵: ۷۱).



تصویر ۱. بروز بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران به دلیل عدم تجانس و تناسب میانی بینشی و ارزشی این نظام با کنش-ها و سبک‌های کالبدی آن (ریبسی، ۱۳۹۵: ۷۱)



تصویر ۲: سیمای دو مرکز تجاری در ایران و اروپا.

برخلاف تصور اولیه تصویر راست مربوط به اروپا و تصویر سمت چپ مربوط به ایران است. ملاحظه می‌گردد که الگوبرداری تمام و کمال معماری معاصر ایران از نمونه‌های مشابه غربی تا جایی پیش رفته است که در برخی از موارد نمونه‌های ایرانی در تجلی سبک‌های معاصر غرب حتی از خود نمونه‌های غربی نیز پیشی گرفته‌اند (ریبسی، ۱۳۹۵: ۷۲).

در عصر حاضر، ما از لحاظ هویتی دچار بلاتکلیفی و سردرگمی هستیم؛ شاید به این دلیل که هنوز به درک درستی از مفهوم واقعی هویت دست نیافته‌ایم و یا به عبارتی آن را از یاد برده‌ایم. چراکه پیشینیان ما به این مسئله واقف بودند و آثاری به جا گذاشته‌اند که هم اکنون بخشی از هویت معماری ما را می‌سازند. گذشتگان ما دارای نوعی معماری بودند

که معمار حول آن به کار و خلاقیت می‌پرداخت. در آن زمان، اصالت به معماری بود نه به معمار و به عبارتی معماری داشتیم نه معماری‌ها. بنابراین تمایزی ایجاد نمی‌شد که هویتی خلق شود؛ چراکه هویت، زادهٔ تمایزهاست. در واکاوی ریشه‌های شرایط به وجود آمده نیز اظهارات گوناگونی دیده می‌شود. برخی منتقدان علت را در این میان که در مقابل رویکرد سنتی معماری، معماری معاصر برای خود الزامی به جهت رعایت هنجارها و توجه به پشتیبان‌های فرهنگی و آموزشی نمی‌بیند و معمار معاصر خود را از اندوخته تجربیات گذشتگان بی‌نیاز می‌داند، به گونه‌ای که معمار معاصر گرفتار فرد گرایی و خودمحوری است و پیوسته در تلاش برای خلق اثری متفاوت می‌بیند (معظمی، ۱۳۸۶: ۹). تا حدی که می‌توان ادعا کرد، در معماری معاصر متفاوت بودن حرف اول را می‌زند. بدیهی است که اصالت دادن به تفاوت، با داشتن هویت پایدار در تضاد قرار خواهد گرفت (حجت، ۱۳۸۴: ۵۵). زمانی که غرب گفت «من فکر می‌کنم پس هستم» معماری حول محور معمار خلق شد و معماری‌ها جایگزین معماری شدند. از این به بعد روی معماری اسم گذاشتند و گفتند معماری پست مدرن، معماری هایتک، معماری دیکانستراکشن و ... ما این معماری‌ها را از دور دیدیم و آنچه را که دیدیم، آموزش دادیم بدون آنکه آموخته باشیم و شروع به ساختن کردیم و شبه معماری‌هایی ساختیم حول محور معماری‌های غربی. درحالی‌که همچنان به هویت اعتقاد داشتیم؛ نه به هویت‌ها، و به نوعی هویت گذشته خود را اصیل می‌دانستیم نه هویت‌های معاصر را. از این رو برای آنکه به ظاهر به هویت‌های خلق شده اصالت بخشیم شروع به ترکیب کردیم و عناصری شبیه به عناصر هویتی گذشته‌مان را با عناصر شبیه به عناصر هویتی معاصر غرب تلفیق کردیم و آن را معماری معاصر ایرانی نهادیم (قطبی، ۱۳۸۳: ۸۲). معماری امروز ایران هنوز در سردرگمی میان برداشت سطحی از نگاهی حسرت‌آمیز به گذشته تا فریفتگی به الگوهای غربی به سر می‌برد و معمار امروز ایران را در دستیابی به جوهره بنیادین معماری کشور خویش با چالش‌های فراوانی روبرو کرده است. بی‌تردید یکی از عوامل گوناگونی شکل بناها و هزارچهره بودن شهر که از سوی منتقدان به گم‌گشتگی هویتی معماری تعبیر می‌شود، بحران موجود در آموزش دانشکده‌های معماری می‌باشد و این بحران حل نمی‌شود جز با تربیت و پرورش معمار در مدارس معماری و بیدار کردن معماران سرگشته. امروزه معماران معاصر رویکردهای مختلفی در مقابل بحران هویت موجود، ناهماهنگی و ناسازگاری دارند. آیا در ایران ظهور بحران در هویت معماری به ویژه در "هویت معماری ایرانی" به دلیل مشکل جهانی تخریب در ارزش‌های مشترک انسانی، به نام هویت فردی یا جامعه و به تبع آن هویت معماری، یکی از مؤلفه‌ها بوده است. در سال‌های اخیر در میان تمام راهکارهایی که در جوامع حرفه‌ای پیشنهاد می‌شود استراتژی تربیت و آموزش صحیح و تربیت معمار برای احیای هنر و بازیابی هویت معماری آن کشور بیش از پیش رونق یافته است و این میسر نمیشود مگر با بازنگری و رسیدگی به دانشکده‌های معماری و اولین مرحله طبقه‌بندی رویکردها و راهکارهایی برای رهایی از بحران است (حقیقی و صحاف، ۱۳۹۳).

آمار توصیفی متغیرهای تحقیق (اساتید)

جامعه آماری این پژوهش ۱۰۰ نفر از مجموع اساتید خبره دانشکده‌های معماری کشور و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۷۹ نفر می‌باشد. به دلیل تسهیل در این نمونه‌گیری پنج دانشگاه معتبر کشور دانشگاه تهران، بهشتی، علم و صنعت، رازی کرمانشاه و کردستان مورد بررسی قرار گرفتند. ۲۳ نفر (۲۹/۱ درصد) از پاسخگویان زن و ۵۶ نفر (۷۰/۹ درصد) مرد می‌باشند. ۹ نفر (۱۱/۴ درصد) از پاسخگویان کمتر از ۴۰ سال، ۴۲ نفر (۵۳/۲ درصد) بین ۴۰ تا ۵۰ سال، ۲۸ نفر (۳۵/۴ درصد) بالاتر از ۵۰ سال سن داشتند. تعداد ۱۳ نفر (۱۶/۵ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ۶۶ نفر (۸۳/۵ درصد) دارای مدرک تحصیلی دکتری هستند. تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش با استفاده از روش همبستگی و با نرم‌افزار SPSS صورت پذیرفته است.

جدول ۱ آمار توصیفی متغیرهای مطالعه

سوال	میانگین	انحراف معیار	ماکزیمم	مینیمم
۱- نیازهای هویتی معماری جامعه در در دانشگاه های معماری ایران تا چه میزان مورد تاکید قرار گرفته است؟	۳/۰۳۸	۰/۸۸	۵	۱
۲- آیا در دانشگاه های معماری ایران زمان و مکان جامعه درک شده است؟	۳/۱۰۱	۰/۸۲	۵	۱
۳- به فرهنگ، سنن و الگوهای رفتاری جامعه در آموزش معماری در دانشگاه های ایران تا چه حدی تاکید شده است؟	۲/۵۵۷	۰/۸۷	۵	۱
۴- آیا در آموزش معماری در دانشگاه های ایران برای از بین رفتن فاصله با گذشته و منعکس کننده استمرار گذشته در حال و آینده تاکید شده است؟	۳/۰۷۵	۰/۸۵	۵	۱
۵- تا چه میزان آموزش معماری در دانشگاه های ایران در شناسایی نیازهای عصر حاضر در تلفیق با فرهنگ و تمدن اصیل یزان تاکید شده است؟	۳/۵۴۴	۰/۹۹	۵	۱
۶- در آموزش معماری در دانشگاه های ایران به هویت و تثبیت جایگاه آن در معماری معاصر ایران تاکید شده است؟	۳/۰۸۸	۰/۹۴	۵	۱
۷- آیا عدم وجود رابطه سازنده بین حوزه آموزش و دنیای حرفه ای معماری در آموزش معماری در دانشگاه های ایران وجود دارد؟	۳/۵۱۹	۰/۹۵	۵	۱
۸- به تجانس و تناسب مبانی بینشی معماری و شهرسازی معاصر در آموزش معماری در دانشگاه های ایران چه مقدار تاکید شده است؟	۳/۰۳۸	۰/۸۸	۵	۱
۹- آیا به تجانس و تناسب مبانی ارزشی معماری و شهرسازی معاصر در آموزش معماری در دانشگاه های ایران تاکید شده است؟	۳/۰۱۲	۰/۷۷	۵	۱
۱۰- به تجانس و تناسب در شیوه آموزش معماری و شهرسازی معاصر ایران با سبک های کالبدی رایج در این نظام در آموزش معماری در دانشگاه های ایران تا چه حدی تاکید شده است؟	۳/۵۲۱	۰/۹۴	۵	۱

۱	۵	۰/۸۹	۳/۱۶۲	۱۱- آیا به وجود همگرایی در شیوه آموزش و توجه باطنی به معماری گذشته در آموزش معماری در دانشگاه های ایران تاکید شده است؟
۱	۵	۰/۸۳	۳/۰۵۰	۱۲- به وجود ویژگیهای مناسب در مکانهای آموزشی در آموزش معماری در دانشگاه های ایران تاکید شده است؟
۱	۵	۰/۷۸	۲/۲۹۱	۱۳- به تعریف قطب های علمی در زمینه بحران هویت در معماری معاصر در دانشگاه های ایران تا چه حدی تاکید شده است؟
۱	۵	۰/۹۲	۲/۶۴۵	۱۴- به بکارگیری پژوهش معماری در فرآیند آموزش در دانشگاه های ایران چه میزان تاکید شده است؟
۱	۵	۰/۸۹	۲/۷۹۷	۱۵- به آموزش خلاق در تلفیق معماری سنتی و معاصر در آموزش معماری در دانشگاه های ایران تا چه حدی تاکید شده است؟
۱	۵	۰/۸۳	۳/۳۸۷	۱۶- به میانی هویت فرهنگی و معماری گذشته ایران در درس نظری و عملی در دانشگاه های ایران به چه میزان تاکید شده است؟
۱	۵	۱/۰۳	۳/۶۲۴	۱۷- عدم همدلی و همفکری معماران در نظام آموزشی در تقویت و رشد بحران هویت در معماری تاثیر دارد؟
۱	۵	۰/۹۹	۳/۵۹۲	۱۸- نقش کمرنگ پژوهش در تقویت و رشد بحران هویت در معماری تاثیر دارد؟
۱	۵	۰/۸۸	۳/۲۹۸	۱۹- نظام آموزشی تا چه حد در کاهش برداشت سطحی از مفاهیم پایه معماری و مسائل فرهنگی جامعه تاثیر دارد؟
۱	۵	۱/۰۰	۳/۷۹۱	۲۰- ارتباط کمرنگ صنعت و دانشگاه تا چه حد در تقویت و رشد بحران هویت در معماری تاثیر دارد؟
۱	۵	۰/۹۳	۳/۶۷۸	۲۱- عملکرد ضعیف نظام آموزشی در تقلید کورکورانه از فرهنگ های بیگانه در تقویت و رشد بحران هویت در معماری تاثیر دارد؟
۱	۵	۰/۸۱	۳/۰۰۰	۲۲- عملکرد ضعیف نظام آموزشی در عدم شناخت معانی در معماری سنتی و عدم استفاده از تجربیات معماران گذشته در تقویت و رشد بحران هویت در معماری تاثیر دارد؟
۱	۵	۰/۹۲	۳/۰۱۲	۲۳- عملکرد ضعیف نظام آموزشی در عدم انطباق نیازهای جامعه و تقاضای بازار با معماری در تقویت و رشد بحران هویت در معماری تاثیر دارد؟

فرضیات تحقیق

فرضیه ۱: به نظر می‌رسد الگوی اصلی و اساسی معماری اصیل ایرانی با حل بحران نظام آموزش دانشگاهی کشور ارتباط مستقیم دارد. به منظور انجام آزمون برای فرضیه اول از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود.

جدول ۲ ضریب همبستگی الگوی اصلی و اساسی معماری اصیل ایرانی با حل بحران نظام آموزشی در داخل کشور

حل بحران نظام آموزشی	حل بحران نظام آموزشی		
۱	۰/۵۲۳	ضریب همبستگی	حل بحران نظام آموزشی
۰/۰۰۰		سطح معناداری (دو دامنه ای)	
۷۹	۷۹	تعداد	
۰/۵۲۳	۱	ضریب همبستگی	الگوی اصلی و اساسی معماری اصیل ایرانی
	۰/۰۰۰	سطح معناداری (دو دامنه ای)	
۷۹	۷۹	تعداد	

با توجه به نتایج جدول ۱ مشاهده می‌گردد که Sig یا سطح معناداری کوچکتر از ۰/۰۵ است، به عبارتی ارتباط یا همبستگی بین دو متغیر وجود دارد و میزان همبستگی برابر با ۰/۵۲۳ می‌باشد و این ارتباط مثبت است و از لحاظ آماری معنادار می‌باشد. میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر در حد متوسط و معنادار و در جهت مثبت می‌باشد. بنابراین الگوی اصلی و اساسی معماری اصیل ایرانی با حل بحران نظام آموزش دانشگاهی کشور ارتباط مستقیم دارد و فرضیه تایید می‌شود.

فرضیه ۲: به نظر می‌رسد تدوین یک الگوی مناسب آموزش دانشگاهی مهمترین اصول برای برطرف کردن بحران هویت معماری معاصر ایران است.

۱- تدوین یک الگوی مناسب آموزش دانشگاهی برای برطرف کردن بحران هویت معماری معاصر ایران مؤثر نیست $H_0: M < 3$

۲- تدوین یک الگوی مناسب آموزش دانشگاهی برای برطرف کردن بحران هویت معماری معاصر ایران مؤثر است $H_1: M > 3$

جدول ۳ آزمون آماری تک نمونه‌ای تدوین یک الگوی مناسب آموزش دانشگاهی برای برطرف کردن بحران هویت معماری معاصر ایران مؤثر

S.E	S.D	میانگین	تعداد
۰/۷۵۸۸۴	۶/۷۴۴۷۱	۲۵/۲۹۱۱	۷۹

جدول ۴ آزمون آماری تک نمونه‌ای آموزش دانشگاهی و وجود یک الگوی مناسب آموزشی مهم‌ترین اصول برپایی یک نظام مناسب و برطرف کردن هویت معماری.

Test Value=۳					
اختلاف میانگین	Sig(۲-tailed)	df	t	ضریب اطمینان ۹۵٪	
				حد بالا	حد پایین
۲۲/۲۹۱۱۴	۰/۰۰۰	۷۸	۲۹/۳۷۵	۲۰/۷۸۰۴	۲۳/۸۰۱۹

بر اساس جدول‌های فوق مقدار t به دست آمده برابر با $۲۹/۳۷۵$ است و چون از مقدار بحرانی $۱/۹۶$ بیشتر است پس فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 در سطح اطمینان $۰/۹۵$ ($\text{Sig}=۰/۰۰۰$) پذیرفته می‌شود اختلاف میانگین پاسخ‌های پرسشنامه به این سؤال بین $۲۳/۸۰۱۹$ تا $۲۰/۷۸۰۴$ قرار گرفته است. چون حد بالای این دامنه ($۲۳/۸۰۱۹$) بیشتر از اختلاف میانگین ($۲۲/۲۹۱۱۴$) می‌باشد می‌توانیم بگوییم که آموزش دانشگاهی و وجود یک الگوی مناسب آموزشی مهم‌ترین اصول برپایی یک نظام مناسب و برطرف کردن هویت معماری داخلی است مؤثر است. همچنین بین سطح معناداری Sig و اختلاف میانگین رابطه معکوس وجود دارد. به این معنی که هر چه قدر اختلاف میانگین بیشتر باشد، سطح معناداری کوچک‌تر خواهد شد. چنانکه مشاهده می‌شود در اینجا هم اختلاف میانگین $۲۲/۲۹۱۱۴$ و $۰/۰۰۰ = \text{Sig}$ می‌باشد.

فرضیه ۳: به نظر می‌رسد با احیاء معماری اصیل ایرانی در قالب نظام آموزشی هویت‌گرا می‌توان بحران هویت معماری معاصر کشور را برطرف کرد.

۱- احیاء معماری اصیل ایرانی در قالب نظام آموزشی هویت‌گرا در حل بحران هویت معماری معاصر کشور مؤثر نیست
 $H_0: M < 3$

۱- احیاء معماری اصیل ایرانی در قالب نظام آموزشی هویت‌گرا در حل بحران هویت معماری معاصر کشور مؤثر است
 $H_1: M > 3$

جدول ۵: آزمون آماری تک نمونه‌ای تأثیر احیاء معماری اصیل ایرانی در قالب نظام آموزشی هویت‌گرا در حل بحران هویت معماری معاصر کشور

S.E	S.D	میانگین	تعداد
Mean	۰/۶۵۰۰۷	۲۱/۱۱۳۹	۷۹
	۵/۷۷۷۹۱		
			احیاء معماری اصیل ایرانی در قالب نظام آموزشی هویت گرا

جدول ۶: آزمون آماری تک نمونه‌ای احیاء معماری اصیل ایرانی در نظام آموزش معماری به صورت هویت گرا در بحران هویت معماری معاصر کشور

Test Value=۳						
ضریب اطمینان ۹۵٪	اختلاف میانگین	Sig(۲-tailed)	df	t	حد	
					پایین	بالا
۱۶/۸۱۹۷	۱۸/۱۱۳۹۲	۰/۰۰۰	۷۸	۲۷/۸۶۵	۱۹/۴۰۸۱	۱۹/۴۰۸۱
						احیاء معماری اصیل ایرانی در قالب نظام آموزشی هویت گرا

بر اساس جدول‌های فوق مقدار t به دست آمده برابر با $۲۷/۸۶۵$ است و چون از مقدار بحرانی $۱/۹۶$ بیشتر است پس فرض H_0 رد می‌شود و فرض H_1 در سطح اطمینان $۰/۹۵$ ($Sig=۰/۰۰۰$) پذیرفته می‌شود اختلاف میانگین پاسخ‌های پرسشنامه به این سؤال بین $۱۹/۴۰۸۱$ تا $۱۶/۸۱۹۷$ قرار گرفته است. چون حد بالای این دامنه ($۱۹/۴۰۸۱$) بیشتر از اختلاف میانگین ($۱۸/۱۱۳۹۲$) می‌باشد می‌توانیم بگوییم که احیاء معماری اصیل ایرانی در نظام آموزش معماری به صورت هویت گرا در بحران هویت معماری معاصر کشور مؤثر است. همچنین بین سطح معناداری Sig و اختلاف میانگین رابطه معکوس وجود دارد. به این معنی که هر چه قدر اختلاف میانگین بیشتر باشد، سطح معناداری کوچک‌تر خواهد شد. چنانکه مشاهده می‌شود در اینجا هم اختلاف میانگین $۱۸/۱۱۳۹۲$ و $Sig=۰/۰۰۰$ می‌باشد. بین مقدار t و اختلاف میانگین یک رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنی که هر چه تفاوت بین اختلاف میانگین بیشتر باشد مقدار t بیشتر خواهد بود.

نتایج حاصل از فرضیات مطرح شده نشان می‌دهد: نتایج فرضیه اول نشان داد که الگوی اصلی و اساسی معماری اصیل ایرانی با حل بحران نظام آموزش دانشگاهی کشور ارتباط مستقیم دارد. نتایج فرضیه دوم نشان داد که آموزش دانشگاهی و وجود یک الگوی مناسب آموزشی مهم‌ترین اصول برپایی یک نظام مناسب و برطرف کردن هویت معماری معاصر ایران است. سطح معناداری آزمون t در این فرضیه کمتر از $۰/۵$ است؛ این بدان معنا است که در سطح اطمینان $۹۵٪$ آموزش دانشگاهی و وجود یک الگوی مناسب آموزشی در اصول برپایی یک نظام آموزشی مناسب و برطرف کردن هویت معماری موفق و اثر بخش می‌باشد. همچنین در این بررسی میانگین این آزمون در گروه اساتید $۲۵/۲۹۱۱$ بالاتر از گروه دانشجویان $۲۲/۸۰۰۰$ می‌باشد. نتایج فرضیه سوم نیز نشان داد که با احیاء معماری اصیل ایرانی در نظام آموزش معماری به صورت هویت گرا می‌توان بحران هویت معماری معاصر کشور را برطرف کرد. سطح معناداری آزمون t در این فرضیه کمتر از $۰/۵$ است؛ این بدان معنا است که در سطح اطمینان $۹۵٪$ احیاء معماری اصیل ایرانی در نظام آموزش معماری به صورت هویت گرا در بحران هویت معماری معاصر کشور موفق و اثر بخش می‌باشد.

نتیجه‌گیری

توانایی معماران و طراحان در بازیابی و خلق الگوها از دل سرمایه فرهنگی هر جامعه، موجب برقراری رابطه تعاملی و دوسویه مؤلفه‌های فرهنگی می‌شود و از هویت جمعی یک جامعه حمایت خواهد کرد. به بیان ساده‌تر اگرچه ریشه بحران معماری امروز ایران تنها در خود معماری خلاصه نمی‌شود و شامل مجموعه عواملی در پارادایم فرهنگی جامعه است، می‌توان با خلق الگوهای کارآمد به بهبود بحران مذکور امید داشت. برای رهایی از این بحران باید در جهت احیاء هویت ایرانی تلاش کرد. مسئله مهمی که اینجا پیش می‌آید آن است که در حال حاضر نمی‌توان عین همان اصول معماری گذشته را در دوران معاصر پیاده کرد بلکه آنچه اینجا اهمیت پیدا می‌کند مقوله زمان است. یک طراح موفق باید بتواند در هر دوره طبق نیازهای زمان خود آثاری در خور فرهنگ و تمدن اصیل این سرزمین خلق کند. نیازهای عصر حاضر را شناسایی و با درایت خود اثری متناسب با زمان اما با دورنمایی از اصالت طراحی کند که مورد توجه و تأکید اکثریت قرار گیرد. بنابراین چنین پژوهش‌هایی کمک بسیار به شناسایی هر چه بیشتر هویت، مهم جلوه دادن و تثبیت جایگاه آن در معماری معاصر ایران دارد. همچنین آموزش مناسب در این راستا کمک شایانی به این مقوله می‌نماید. با عنایت بر مشکلات آموزش معماری در ایران که عبارتند از عدم حضور اهداف دقیق و مفید، برنامه ریزی و ارزشیابی، آموزش تک بعدی در سطوح مختلف، حاکمیت نگاه جزءنگر در حوزهای مختلف و عدم توجه به محتواهای مورد نیاز آموزش معماری هویت‌گرا ضرورت فراهم آوردن ظرفی مناسب برای آموزش هویت و معماری هویت‌ساز را بیش از پیش ضروری م‌نماید پژوهشگرانی که بعد از این پژوهش قصد دارند چنین موضوعی را تحقیق کنند می‌توانند در ادامه این پژوهش و جهت تکمیل کردن آن در زمینه‌هایی همچون رفع این بحران هویتی با استفاده از دروس اصلی معماری همچون طرح معماری و یا مقدمات معماری، ریز شدن در چارت دروس اصلی و تخصصی کارشناسی پیوسته معماری، توجه به مکانهای ساخت دانشگاه‌های معماری و یا نحوه تربیت معماران جوان در دانشگاه‌های معماری، تحقیقات لازم را داشته باشند. نهایتاً پیشنهاد می‌شود آموزش معماری برای دستیابی به آموزش معماری هویت‌گرا دستخوش تحولات زیر گردد:

- تبیین الگوهای سنتی به صورت فرهنگ نامهای مدون جهت استفاده از طرح‌های معماری با بهره‌گیری از تکنولوژی‌های جدید.
- بهره‌گیری از دانش معماری بومی ایران که خود دستاوردهای بسیاری در مورد هویت ملی دارند (حفظ و تداوم الگوهای معماری بومی و سنتی و هویتی).
- اصلاح سیستم آموزشی و مد نظر قرار گرفتن ارزش‌های معماری بومی.
- ارائه واحدهای درسی مرتبط با "گذشته و هویت اصیل ایرانی و در تعامل با کارگاه‌های طراحی معماری.
- تأکید بر دروس میان رشته‌ای و مباحث مرتبط با پایداری و هویت اجتماعی فرهنگی و اقتصادی در کنار هویت بوم‌شناختی و سنتی معماری ایران.
- ارائه و اجرای مدل‌های متنوع آموزش معماری سنتی و هویت‌ساز.
- تأکید بر روابط میان ایده‌ها، طراحی و در نهایت ارزیابی.

- پروژه‌های بعضی دروس عملی-نظری بر اساس مؤلفه‌های معماری هویت‌ساز.
- برگزاری کارگاه‌هایی برای ارزیابی کار معمارانی که در جامعه حرفه‌ای سعی به ارائه نمون‌هایی از معماری هویت‌ساز دارند.
- ارائه مباحث و تمرین متعدد برای توانمند ساختن دانشجویان در رویارویی با مسائل کمی و اینکه کدام یک از موارد فوق محوری‌تر پیدا کنند، مرتبط به تعیین اهداف براساس نیازها و شرایط هویتی کشور است.

منابع:

- ارمغان، مهتاب؛ ثروت جو، حمید. (۱۳۹۶). بازبینی نقش تجلی در آموزش معماری. کنگره بین المللی معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.
- بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۳). هویت ایرانی. هنر گلستان، شماره ۱۱، صص ۲۱-۸.
- حجت، عیسی (۱۳۸۲). آموزش معماری و بی ارزشی ارزشها. نشریه هنرهای زیبا شماره ۴۱. صص ۶۳-۷۰.
- حجت، عیسی (۱۳۸۴). هویت انسان ساز، انسان هویت پرداز (تاملی در رابطه با هویت و معماری) نشریه هنرهای زیبا شماره ۲۴، صص ۶۲-۵۵.
- حقیقی، منامتولی و صحاف، سید محمد خسرو، ۱۳۹۳، الگوپذیری معماری امروز از اصول معماری ایرانی - اسلامی (با نگاهی به سبک خراسانی)، اولین همایش ملی معماری، عمران و محیط زیست شهری، همدان
- D. K. Hassan (۲۰۱۸). آموزش علوم انسانی در آموزش معماری: بررسی پتانسیل نمایشگاه عکاسی تعاملی به عنوان یک ابزار یادگیری مبتنی بر تحقیق. جامعه آموزش و شهری .
- ریسی، محمد منان. (۱۳۹۵). علت کاوی بحران هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران با تأکید بر سه گانه بینش، ارزش و کنش. فصلنامه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی. شماره ۴، صص ۷۴-۶۳.
- زین العابدین زاده، سمانه و مجیدی پور، لیدا و میری کناری، غلام رضا، (۱۳۹۳)، نگاهی کاربردی به آموزش معماری در ایران، همایش ملی نظریه های نوین در معماری و شهرسازی، قزوین
- سلطان زاده، حسین. (۱۳۸۹). هویت در معماری معاصر ایران. مجموعه مقالات درسی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین. صص ۱۵-۶.
- سلمان روغنی، محمد حسین. (۱۳۹۳). نسبت هویت و پیوند با گذشته. همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار. طاقی، زهرا (۱۳۷۴) نگاهی به آموزش معماری در دوران معاصر، مجموعه مقالات کنگره «تاریخ معماری و شهرسازی ایران». جلد چهارم. تهران. سازمان میراث فرهنگی
- فصلنامه آبادی - سال اول شماره سوم زمستان ۱۳۷۰ - صفحات ۷۳-۶۱
- قبادیان، وحید. (۱۳۷۷). بررسی اقلیم ابنیه سنتی ایران، دانشگاه تهران.
- قرائتی، حسنا (۱۳۹۴). هویت در معماری ایرانی، همایش ملی معماری و شهرسازی ایرانی - اسلامی.
- قطبی، علی اکبر، (۱۳۸۳). مفهوم هویت و معماری امروز ایران، نشریه آیینه خیال، شماره ۱۰، صص ۸۳-۷۸
- کریمی، محمد (۱۳۸۷) نظام آموزش معماری، معماری فرهنگ، سال دهم، شماره ۲۳

لعل بخش، عترت؛ قبادیان، وحید و عزیزی، شادی، ۱۳۹۸، مدل آموزش طراحی معماری مبتنی بر تفکر مشارکتی و تعاملی در ایران، فصلنامه فناوری آموزش.

معظمی، منوچهر (۱۳۸۶)، گسست‌های فرهنگی در معماری دوره معاصر ایران، معماری و شهرسازی، (۸۶ و ۸۷)، ۹-۱۵.

معماریان، غلامحسین (۱۳۸۴). سیری در مبانی نظری معماری. تهران، نشر سروش دانش

نقره کار، عبدالحمید؛ طبرسا، محمدعلی. ۱۳۸۸. بالندگی اصول و مولفه‌های سامانمند هویت اسلامی در شالوده معماری معاصر، از مقیاس تک بناها تا بافت‌های شهری

نقی زاده، محمد (۱۳۸۲) معنویت گرایی در هنر و آموزش هنر، مجله هنر دینی، شماره ۱۷ و ۱۸، صص ۹۴-۱۱۴

نوفل، علیرضا؛ کلبادی، پارسین؛ پورجعفر، محمدرضا؛ (۱۳۸۸). بررسی و ارزیابی شاخص‌های مؤثر در هویت

شهری، نمونه موردی محله جلفا در شهر اصفهان، مجله آرمانشهر، شماره ۳، صص ۶۹-۵۷.